



آیت الله مظاهری: مردم داری؛ تقلب، دورویی، چاپلوسی و تملق نیست

کسانی که مردم را فریب می‌دهند و صفا و صداقت ندارند...

کسانی که مردم را فریب می‌دهند و صفا و صداقت ندارند و با ظاهری مردم فریب، به نیرنگ دیگران می‌پردازند، گرچه ممکن است در ابتدا زرق و برقی در زندگی پیدا کنند یا شهرتی به دست آورند، اما طولي نمی‌کشد که این شهرت به طور کلی از بین می‌رود و دوان دوان به سوی ضدّ مطلوب خود که از آن گریزان بودند، می‌شتابند.

آیت الله مظاهری در ادامه مباحث اخلاق خود در موضوع «صبر اجتماعی، قسم اول: مردم داری» این گونه بیان داشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي»

بحث قبل از ماه مبارک رمضان، صبر و استقامت بود و بیان شد که صبر، أمّ الفضائل است و همه فضائل، از این فضیلت سرچشمه می‌گیرد. در مباحث گذشته صبر را به سه فردی، خانوادگی و اجتماعی منقسم کردیم و درباره صبر فردی و صبر خانوادگی مطالبی به طور مختصر بیان شد. از این به بعد، انشاء الله راجع به صبر اجتماعی سخن خواهیم گفت.

اقسام صبر اجتماعی

صبر اجتماعی مسئله فوق‌العاده مهمی است و قرآن و روایات اهل بیت «سلام‌الله‌علیهم» و همچنین علمای علم اخلاق، روی آن پافشاری دارند. صبر اجتماعی، خود به چند قسم تقسیم می‌شود که در ادامه به صورت مختصر، مطالبی درباره آنها بیان می‌شود.

قسم اول: مردم داری

قسم اول از صبر اجتماعی، مردم‌داری است. مردم‌داری به داشتن شخصیت در جامعه نیز اطلاق می‌شود. اگر کسی می‌خواهد شخصیت اجتماعی داشته باشد، باید برای خود و مردم، شخصیت قائل باشد.

انسان مردم‌دار کسی است که برای دیگران احترام و شخصیت قائل شود، از مردم تعریف کند و برای خشنود ساختن آنها تلاش کند. مردم داری و خشنود کردن هموعان، اهمیت فراوانی در کلمات و سیره حضرات معصومین «سلام‌الله‌علیهم» دارد.

اگر پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» در مدت حدود ده سال توانستند اسلام را به دنیا معرفی کنند و علیرغم همه مصائب و مشکلات پیروز شوند، برای شخصیت دادن به مسلمانان و محترم دانستن آنان بود. رفتار اخلاقی و کردار پسندیده پیامبر «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» باعث شد مسلمین تا سرحد عشق، دوستدار و پیرو آن حضرت گردند و از ایشان حرف‌شنوی داشته باشند، چنانکه موفقیت آن حضرت در بیش از هشتاد و چهار جنگ نیز مرهون مردم‌داری ایشان بود.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سرافرازی‌های پس از انقلاب نیز مرهون مردم‌داری حضرت امام خمینی «قدس‌سرّه» است. ایشان در حالی که معمولاً ساکت، صامت و مؤدب بودند، اما در مردم داری و احترام به شخصیت ملت، آنقدر ظریف و دقیق عمل می‌کردند که گویا در این کار تخصص داشتند. از این جهت توانستند هشت سال جنگ تحمیلی را به واسطه همین مردم، پشت سر بگذارند. در واقع عشق مردم مخصوصاً جوانان به حضرت امام، باعث موفقیت ایشان و سربلندی جمهوری اسلامی بود.

همین دو نمونه برای بیان اهمیت مردم‌داری و نقش آن در موفقیت‌ها، کافی است. مردم‌داری و پیدا کردن شخصیت اجتماعی، کار بسیار مشکلی است. به عبارت دیگر حکومت بر دل‌ها خیلی مشکل است، اما با صبر و استقامت و در پرتو مدارا کردن با مردم و خوب تا کردن با آنها، شدنی است. وقتی کسی بتواند بر دل‌ها حکومت کند، شخصیت اجتماعی می‌یابد و می‌تواند سخن حق خود را به خوبی بیان کند. بر اثر مردم‌داری، انسان می‌تواند مردم را در عقیده، با خود همراه کند. اما چنان‌که بیان شد، این امر نیازمند تلاش و کوشش و صبر و استقامت است.

نقش همسر داری در بهبود وضعیت خانواده

همان‌طور که در مبحث صبر در خانه نیز بیان شد، زن خوب و شایسته کسی است که بتواند بر دل شوهر حکومت داشته باشد و مرد خوب و شایسته مردی است که بتواند بر دل همسر خود حکومت کند. حکومت بر دل‌هاست که می‌تواند زمینه‌ساز یک زندگی فوق‌العاده شیرین و موفق باشد. چنان‌که زن و مرد باید در خانه ابهت و شخصیت داشته باشند. بچه‌ها باید از مادر و پدر حساب ببرند و برای پدر شخصیت قائل باشند. چنین شخصیتی در پرتو انجام وظیفه در خانه و همسر‌داری خوب و بچه‌داری نیکو حاصل می‌شود.

درباره رفتار والدین با یکدیگر و نیز طریقه رفتار با فرزندان در محیط خانه و خانواده، کتاب‌هایی نوشته شده است. هم ایرانی‌ها کتاب‌های فراوانی دارند و هم خارجی‌ها کتاب‌های زیادی نوشته‌اند. بحث روابط در خانواده، بحث مفصلی در روان‌شناسی است که اثرات فراوانی در شخصیت فردی و اجتماعی دارد و باید به آن اهمیت داده شود.

راه‌های کسب شخصیت

کسب شخصیت، از چند طریق امکان‌پذیر است:

اول: علم و درایت؛ کسب شخصیت نیازمند علم است. انسان باید با مطالعه و کسب دانش، نحوه احراز شخصیت و شیوه مردم‌داری را بیاموزد. علاوه بر آن، باید با به کارگیری عقل و با درایت و همراه با تفکر، از کسب دانش در جهت مردم‌داری بهره ببرد. اگر انسان بتواند هر روز راجع به نوع روابط خود با دیگران و شیوه‌های مردم‌داری فکر کند، علاوه ثواب، نتایج دنیوی در پی دارد. البته تفکری مفید است و ثواب دارد که بی‌راهه نرود و راجع به چگونگی فریب مردم و تقلب و حقه‌بازی نباشد.

در اثر مطالعه کتب مفید و مشورت با افراد خبره و از جمله از راه تعقل، انسان می‌تواند بفهمد چگونه می‌تواند مردم‌دار باشد و در اثر آن، شخصیت اجتماعی کسب کند.

دوم: سعه صدر؛ این راه اگر مهم‌تر از راه اول نباشد، حداقل در همان حد است و آن اینکه انسان باید سعه صدر داشته باشد. انسان باید دریادل باشد تا بتواند حرف‌ها را، اگرچه مخالف با عقیده‌اش باشد و مخالف با نفی ظاهری باشد، هضم کند. کسی که سعه صدر دارد، مثل دریاست. دریا مرتب آلودگی پیدا می‌کند. علاوه بر اینکه نهرهای فراوان و آلودگی‌های فراوان در آن وارد می‌شود، میکروب‌ها از هوا و سایر راه‌ها به آن وارد می‌شود و بالاخره شبانه روز آب دریاها آلوده می‌شود، اما این دریا شکل آلودگی به خود نمی‌گیرد و آلودگی‌ها را رفع می‌کند.

سعه صدر پیامبر اکرم(ص)

قرآن شریف یکی از معجزات و کرامات پیغمبر اکرم(ص)؛ 171# «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» را سعه صدر و دریادلی ایشان می‌داند:

171# «يَسْمُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، وَ التَّجْمُ إِذَا هَوَى ، مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا عَوَى» [1]

قسم به ستاره‌ها، ستاره‌های متحرک، قسم به این صاحب شما و این کسی که در میان شما زندگی کرد، اما گمراهی شما را به خود نگرفت، بلکه شما را همرنگ خود کرد و در گمراهی‌ها و ضلالت‌های شما آلوده نشد.

برای اهمیت این موضوع، به این مثال ساده توجه کنید:

یک حوض آب بسیار آلوده را در نظر بگیرید. اگر یک استکان آب بسیار صاف و زلال در این حوض بریزید، فوراً در آب حوض محو می‌شود و صد درصد آلوده می‌گردد. حال اگر بنا باشد آب در استکان آلوده نشود، بلکه حوض را به رنگ خود درآورد، معجزه می‌خواهد.

پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» هنگام بعثت، در بین مردم مکه، تنها و مانند یک استکان آب تصفیه شده‌اند. آن حضرت در آن محیط آلوده، به جای آنکه رنگ اجتماع را به خود بگیرند، به محیط آلوده فرمودند: من رنگ تو را نمی‌گیرم، بلکه تو را به رنگ خود در می‌آورم! آن حضرت در حالی از دنیا رفتند که نه تنها مکه و مدینه، بلکه تمام منطقه آلوده حجاز را تصفیه کردند و به مقام انسانیت رساندند. ایشان با صبر و استقامت و به عبارت دیگر با سعه صدر، توانستند مسلمان‌های صدر اسلام را بسازند.

قرآن شریف، بر سعه صدر تأکید فراوانی دارد:

«أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» [2]

عبارت «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» که پس از «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ» آمده، به این معناست که وای به کسی که سعه صدر نداشته باشد و خوشا به حال کسی که سعه صدر دارد و با نور خدا زندگی می‌کند. قرآن کریم نام سعه صدر را «نور خدا» گذاشته است. نظیر این آیه در قرآن چندین مرتبه آمده است.

درخواست سعه صدر توسط حضرت موسی(ع)

وقتی حضرت موسی «علیه السلام» به رسالت مبعوث شدند، به ایشان خطاب شد: «ادْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» [3]

به سویی فرعون برو و او را هدایت کن. اما با مردم داری و با زبان خوش و با گفتار پرمحتوا، «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» [4] زیرا خداوند متعال دوست دارد حتی فرعون که از نظر طغیان و سرکشی سرآمد روزگار است، هدایت و به عبارت دیگر، آدم شود. حضرت موسی برای انجام این رسالت خود در برابر فرعون، که ابر قدرت زمان بود و علاوه بر سلطنت، ادعای خدایی می‌کرد و مردم او را به خدایی قبول داشتند، لشکر مجهز یا امکانات خاصی مطالبه نکرد، بلکه گفت: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» [5] خدایا به من سعه صدر عنایت کن. زیرا می‌دانست که راه موفقیت در حکومت، سعه صدر است: «أَلَا الرِّيَاسَةُ سَعَةُ الصَّدْرِ» [6]

بنابر تصریح قرآن کریم، فرعون و بنی‌اسرائیل دو مانع اساسی و قدرتمند برای رسالت حضرت موسی «علیه السلام» محسوب می‌شدند، اما آن حضرت، در حالی که تنها بود، توانست بر همه مشکلات فائق آید و پیروز میدان شود. این پیروزی، علاوه بر تلاش بی‌وقفه و نیز برقراری ارتباط عاطفی حضرت موسی با خداوند و رعایت تقوا، مرهون صبر و سعه صدر اوست.

آثار و برکات سعه صدر از منظر قرآن کریم

قرآن کریم در ادامه و پس از مطالبه شرح صدر توسط حضرت موسی، عبارات ظریف و دقیقی دارد که معلوم نیست حضرت موسی این عبارت را در آن موقعیت بیان کرده یا خداوند تعالی برای فهم بشریت فرموده است. در واقع با بیان چند جمله کوتاه، آثار و برکات سعه صدر را بیان کرده است. می‌فرماید: «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي» [7] یعنی خدایا سعه صدر به من عطا فرما، آنگاه کارها آسان می‌شود و به تنهایی می‌توانم در مقابل فرعون موفق شوم. سپس می‌گوید: «وَاحْطُلْ عَقْدَةً مِنْ لِسَانِي» [8] خدایا سعه صدر به من بده، آنگاه اراده‌ام قوی می‌شود و می‌توانم در مقابلش قد علم کنم. بعد می‌افزاید: «يَقْقَهُوا قَوْلِي» [9] خدایا سعه صدر به من بده، آنگاه می‌توانم حرفم را در مقابلش بزنم.

بر این اساس، سعه صدر کارها را آسان می‌کند، حتی اگر کاری به سختی و بزرگی ایستادگی در برابر فرعون باشد. انسان اگر سعه صدر داشته باشد، اراده‌اش قوی می‌شود. وقتی اراده کسی قوی شد، بر خود تسلط پیدا می‌کند. وقتی بر خود تسلط پیدا کرد، می‌تواند خوب مردم‌داری کند. به عبارت دیگر می‌تواند شخصیت اجتماعی پیدا کند و در پرتو آن، می‌تواند آنچه درون خود دارد، بیان کند و دیگران از گفته‌اش بهره‌مند شده، استفاده ببرند. در روایات نیز تأکید شده است که این دعا‌های حضرت موسی را زیاد بخوانید تا دریا

دل شوید و بتوانید بر خود تسلط یابید.

تناسب سعه صدر و مردم‌داری

اگر سعه صدر نباشد، مردم‌داری هم نخواهد بود؛ لذا هرکس در هر موقعیت شغلی و اجتماعی که قرار دارد، به یقین با سعه صدر موفق‌تر خواهد بود. کاسبی که سعه صدر دارد، گرچه در مغازه چیزی بیش از دیگر فروشندگان ندارد، ولی همیشه فروش بهتری دارد. راز موفقیت او از دیدگاه روان‌شناسی، مردم‌داری و سعه صدر او در برخورد با مردم است. درباره روحانیت نیز قضیه به همین شکل است. بعضی از روحانی‌ها در کارهای تبلیغی خود موفق‌اند. وقتی در کار آنها دقت کنیم، متوجه می‌شویم که خوب مردم‌داری می‌کنند و به خوبی توانسته‌اند مردم را جذب کنند.

در نظام خانواده نیز همین حقیقت صادق است. گاهی زن در امر شوهرداری بسیار موفق است و در حالی که که از لحاظ زیبایی در حد متوسط است و از نظر خانوادگی، خانواده خاصی ندارد، اما خوب شوهرداری می‌کند و می‌داند چگونه بر دل شوهر خود حکومت کند. به اندازه‌ای بر دل شوهر حکومت پیدا کرده که برای شوهر، تمام دنیا یک طرف و این خانم یک طرف است. گاهی نیز مرد از لحاظ امکانات مالی در حد پایینی است و نمی‌تواند خانه‌اش را اداره کند، از نظر شخصیت اجتماعی هم در حد متوسط یا پایین است، اما در خانه توانسته است بر دل همسر خود حکومت کند. از این جهت بین همسر و فرزندان ابهت خاصی دارد و فرزندان از او حساب می‌برند. وقتی در زندگی او کنکاش کنیم، خواهیم دید که او خوب مردم‌داری می‌کند و از سعه صدر فراوانی برخوردار است. در حقیقت، هرکه سعه صدر و مردم‌داری دارد، شخصیت اجتماعی دارد و هر که ندارد، از شخصیت اجتماعی هم برخوردار نیست.

تفاوت مردم‌داری و حقه‌بازی

آنچه در این مبحث محتاج توجه جدی است، اینکه منظور از مردم‌داری، تقلب، دورویی، چاپلوسی و تملق نیست. در واقع، مردم‌داری یعنی خدمت خالصانه به خلق خدا که با صداقت و صمیمیت همراه باشد. کسی که مردم را فریب دهد و با زبان چرب دیگران را خام کند، نمی‌تواند ادعای مردم‌داری داشته باشد و رفتار او ناشی از سعه صدر نیست، بلکه از وسوسه شیطان سرچشمه می‌گیرد و مهم آنکه به مقصود مورد نظر هم نخواهد رسید و از تملق یا نیرنگ خود نتیجه مطلوب نخواهد گرفت.

کسانی که مردم را فریب می‌دهند و صفا و صداقت ندارند و با ظاهری مردم‌فریب، به نیرنگ دیگران می‌پردازند، گرچه ممکن است در ابتدا زرق و برقی در زندگی پیدا کنند یا شهرتی به دست آورند، اما طولی نمی‌کشد که این شهرت به طور کلی از بین می‌رود و دوان دوان به سوی ضد مطلوب خود که از آن گریزان بودند، می‌شتابند. امام حسین¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیه» در روایت شیرینی می‌فرمایند:

171#&؛ مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعَ لِمَجِيءِ مَا يَحْذَرُ[10]

یعنی هرکس بخواهد از راه گناه به مطلوب خود برسد، نه تنها به مقصود و مطلوب خود نمی‌رسد، بلکه با شتاب به آنچه از آن حذر داشته خواهد رسید.

حقیقت مردم‌داری و مردم‌داری حقیقی

مردم‌داری با حقیقت و صداقت و مروت، همان است که در روایات شریف اهل بیت¹⁷¹؛ سلام‌الله‌علیهم»، از جمله حقوق افراد نسبت به یکدیگر شمرده شده است: 171#&؛ أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ[11]

یعنی باید انسان هرچه برای خود می‌خواهد برای دیگران هم بخواهد و آنچه برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم نپسندد. مرحوم شیخ کلینی¹⁷¹؛ رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در کتاب شریف کافی، روایات مختلفی را با این مضمون نقل می‌کند.

کاسب مردم‌دار، به طور ناخودآگاه مشتری بیشتری بیشتری دارد؛ روحانی که به راستی رابطه خود را با خدا و امام زمان¹⁷¹؛ ارواحنا فداه» اصلاح کند و در برخورد با مردم، صفا، صداقت و صمیمیت بیشتری داشته باشد، خواه ناخواه می‌تواند با افراد بیشتری رابطه برقرار کند

و حرف خود را به دیگران برساند. لذا بحث ما این است که انسان در معاشرت با مردم، به گونه‌ای رفتار کند که خداوند متعال خواسته است. آنگونه که از نظر هر انسان پاک سرشتی، کار و رفتار او درست و منطقی باشد. اتفاقاً شیوه صحیح برخورد و معاشرت اجتماعی، بیشتر فطری است. اگر کسی با خود بیندیشد، فطرت او به او می‌فهماند چه رفتاری بهتر و مناسب‌تر است.

حفظ شخصیت واجب است

نکته آخر آنکه مردم‌داری و حفظ شخصیت اجتماعی، واجب و لازم است. استاد بزرگوار ما حضرت آیت الله العظمی بروجردی¹⁷¹؛ ره» بعضی اوقات در ضمن درس می‌فرمودند: ¹⁷¹#& به دست آوردن شخصیت واجب نیست، اما از دست دادن شخصیت حرام است.» این جمله، انصافاً جمله پرمغز و والایی است و باید به آن اهمیت داده شود.

پیرامون صبر اجتماعی و اقسام دیگر آن، مطالبی زیادی وجود دارد که انشاء الله درباره آن در جلسات آینده سخن خواهیم گفت.

پی‌نوشت‌ها

=====

1. نجم، 1 و 2.

2. زمر، 22.

3. طه، 24.

4. طه، 44.

5. طه، 25.

6. نهج البلاغه، حکمت 176.

7. طه، 26.

8. طه، 27.

9. طه، 28.

10. الکافی، ج 2، ص 373

11. الکافی، ج 2، ص 169